

صداقت در صداق

(ارزیابی مهریه ایرانی در قاموس سبک زندگی اسلامی)

زهره ملکشاهی*

مسعود کریمی بیرانوند**

چکیده

مهریه (صداق) همواره یکی از سنت‌های اصیل ازدواج و حقوق زن‌اندر سبک زندگی مردم ایران اسلامی بوده است. لیکن سوء برداشت‌ها و انتظارات روزافزون، آن را از مسیر صحیح دینی خارج ساخته است، به گونه‌ای که امروزه می‌توان گفت، تا حدودی به مانعی در برابر تشکیل و ثبات خانواده‌ها بدل گشته است. اما سبک صحیح مهریه از دیدگاه اسلام چیست؟ مقاله به دنبال تشریح مفهوم صحیح مهریه از دیدگاه قرآن و معارف اهل بیت در سه سبب اعتقادات، اخلاق و احکام بوده است. در بخش اعتقادات به مادی و معنوی بودن مهریه اشاره شده است. هر چند مهر دارای ارزش مالی و اقتصادی بوده، اما نباید در این باره افراط نمود و جنبه‌های معنوی که در سنت معصومین دیده می‌شود را نادیده گرفت. در بخش اخلاقی جنبه‌ی فردی و اجتماعی مورد بحث قرار گرفته است. لزوم صداقت، بخشش و درک متقابل در حوزه فردی و مسئولیت‌پذیری، آرامش اجتماعی، کاهش جرائم و فساد، الگوسازی فرهنگی در حوزه‌ی اجتماعی از ضروریات اخلاقی به شمار آمده است. در بخش احکام به واجب بودن اصل مهریه، لزوم پرداخت فوری در صورت تقاضای زوجه، ملاک قرار گرفتن رضایت طرفین در میزان مهریه (مهرالمسمی) و عرف عقلایی (مهرالمثل) در شرایط خاص پرداخته شده است. نتیجه آن که عدم شناخت علمی و پایبندی عملی به هدف و سبک صحیح مهریه از دیدگاه اسلام، تصویر و کارکرد ناقص و گاه نادرستی از آن در جامعه امروز ما در پی داشته است که می‌توان با تحقیق و تبلیغ شایسته از آن عبور نمود.

کلید واژه: سبک زندگی، قرآن، مهریه، صداق، روایات، امامان

*دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث - گرایش نهج البلاغه - دانشگاه اصفهان، zahravand@chmail.ir

**عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران، masoodvand@chmail.ir

مقدمه

مهریه (صداق) یکی از اصلی‌ترین سنت‌های ازدواج و حقوق زن‌اندرتاریخ زندگی بشر و نیز ایرانیان می‌باشد. به عبارت دیگر از حقوقی که زن به واسطه عقد ازدواج بر مرد پیدا می‌کند، مهریه است و این حق با ظهور دین اسلام به رسمیت شناخته شده و شرایطی برای آن تعیین شده است. بنابراین اساس مهریه با قرآن و سنت و اجماع، ثابت شده است و عرفاً عمل بدان مسجل گردیده است.

در مقابل، سبک زندگی از جمله مفاهیم نوین است که به سرعت مورد استقبال پژوهشگران رشته‌های گوناگون علوم اجتماعی قرار گرفته است. این مفهوم حامل و یا محمول جنبه‌های مختلف زیبایی‌شناختی و سلیقه‌ای، تمایز بخشی و هویت دهی، تظاهر بیرونی، روشی و تکنیکی بودن است. هم وجه فردی دارد و هم جمعی. هم حاکی از وحدت و هم تمایز بخش است. هم ذهنی و درونی (باورها، گرایش‌ها، تمنیات) است و هم عینی و بیرونی (رفتارها، دارایی‌ها، موقعیت‌ها). هم می‌تواند نوعی هدف و معناآفرین باشد و هم روشی برای دستیابی به اهداف و هم صرفاً نمادی از سر سلیقه و احساس. هم آگاهانه و گزینشی است و هم محدود به صورت‌بندی‌ها و شرایط محیطی. هم کلیت زندگی را دربرمی‌گیرد و هم به اجزاء آن اطلاق می‌شود (مهدوی کنی، ۱۳۸۷).

بدیهی است که منظور از آنچه در بالا گذشت این نیست که سبک زندگی همه چیز هست و شاه کلید درک تمامی مسائل بشری. چرا که در این صورت هیچ چیز نخواهد بود جز طبلی تو خالی. بلکه مقصود ما از چند وجهی بودن این مفهوم این است که با جلوه‌های گوناگون حیات واقعی انسان و جامعه مرتبط است و البته اگر می‌خواهیم این مفهوم برای ما کاربردی داشته باشد چاره جز این نیست که با ارائه یک تعریف منطقی، حد و اندازه‌ی آن را بشناسیم. هر چند در این باره نظرات و تعاریف بسیاری ارائه شده است اما در یک جمع‌بندی می‌توان گفت: «سبک زندگی عبارت است: الگوی همگرا یا مجموعه منظمی از رفتارهای درونی و بیرونی، وضع‌های اجتماعی و دارایی‌ها که فرد یا گروه بر مبنای پاره‌ای از تمایلات و ترجیح‌هایش و در تعامل با شرایط محیطی که خود ابداع یا انتخاب می‌کند. یا به اختصار، سبک زندگی: «الگو یا مجموعه‌ی نظام‌مند کنش‌های مرجح است» (مهدوی کنی، ۱۳۹۰: ۷۸).

گشتی هوشمندانه در متن زندگی مردم و جستاری محققانه در متون علمی مغرب زمین به ما نشان می‌دهد که زندگی به سبک غربی ریشه در خواسته‌های دنیایی انسان‌ها دارد. البته آنچه تحت عنوان تنوع در سلايق و گستره زیاد حق انتخاب‌ها در لایه‌های سطحی‌تر زندگی‌های مدرن امروزی دیده می‌شود، ریشه در اسارت‌های نفسانی و اجتماعی عمیقی دارد که با سلطه انسان‌محوری و مادیگری بر فکر و فرهنگ جوامع مدرن، انسان‌ها را

از ارزش‌ها و ترجیحات واقعی و سعادتمندانه به لذت‌های آنی و فانی کشانده است. ساده بگوییم، روح سبک زندگی سیاسی در اسلام انقیاد و اطاعت از دستورات دین است، بر خلاف سبک زندگی غربی که مبتنی بر اومانیسم و به تازگی مبتنی بر نفی همگن سازی، تمامیت بخشی و تقسیم بندی، اطاعت پذیری، حقیقت محوری، ابدیت و مطلق گرایی است. "انسان مدرن" سبک زندگی خود را در پیروی از خواسته‌هایش می‌جوید که در حقیقت از طریق جریان‌های رسانه‌ای و مکانیزم‌های همه‌گستر استعماری که مغز و قلب افراد را نیز کنترل می‌کنند، شکل گرفته‌اند. اما انسان مؤمن آزادی خود را در عبودیتِ الله و تسلیم کامل خواسته‌های الهی شدن می‌پوید.

بر این اساس رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، این مهم را به خوبی یادآور شده‌اند که تفاوت تمدن طراز اسلامی با زندگی اومانیستی نه فقط در شعارها و اهداف کلان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که حتی در ریزترین مسائل زندگی شخصی و خانوادگی مردم ریشه دارد. ایشان در بخشی از سخنان تاریخی خود در مشهد مقدس چنین می‌فرمایند: «بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد؛ که همان سبک زندگی است که عرض کردیم. این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است؛ مثل مسئله‌ی خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله‌ی خط، مسئله‌ی زبان، مسئله‌ی کسب و کار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانه‌ای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزند، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مرئوس، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مأمور دولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانه؛ اینها آن بخشهای اصلی تمدن است، که متن زندگی انسان است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱).

با توجه به این سخنان به راحتی می‌توان ارزش پژوهش پیرامون موضوعاتی چون "مهریه" در سبک زندگی دینی با نگاهی نو و مسأله‌محور را درک نمود، چرا که آنچه که امروزه می‌تواند خطر واقعی باشد، فاصله گرفتن مردم (حتی اقشار مذهبی) از سبک و سیاق حیات طیبه و غافلانه افتادن در دام جذابیت‌های ماتریالیستی است. «سبک زندگی بر اساس ایمان به یک هدف و تفسیر از زندگی یا همان ایدئولوژی تعیین یا تولید خواهد شد؟ بدون ایمان به یک مکتب چنین امری محال یا لاقابل مضر است. البته ما مکتب توحید و ایمان به خدا را زیربنای سبک زندگی قرار می‌دهیم. چون هم پیشرفت ظاهری می‌آورد و هم باطنی و معنوی» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱).

روش و ساختار بحث

یک نوع تقسیم‌بندی محتوایی وجود دارد که هم در متن دین اسلام و نوشته‌های دانشمندان مسلمان صراحتاً به کار رفته است و هم قابل انطباق با همه‌ی حوزه‌های علوم اجتماعی است. مطابق این دسته‌بندی می‌توان معارف دینی را در سه دسته اعتقادات، اخلاق و احکام توضیح داد. (مصباح یزدی، ۱۳۷۹: ۲۰) به طور مثال کتاب مشهور کافی براساس سه بخش مزبور تنظیم شده است. بدین ترتیب که در جلد اول کتاب به اصول و عقاید دین و در جلد دوم به اخلاقیات پرداخته شده است. در مجلدات بعدی و نیز در مجموعه فروع کافی به مباحث فقهی و فروع دین پرداخته شده است. امام خمینی (ره) در تفسیر حدیث «قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَوَّلُ مَا يَنْزِلُ مِنَ الْوَحْيِ ثَلَاثَةٌ: الْإِيمَانُ، وَالْإِسْلَامُ، وَالْإِحْسَانُ» (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۱: ۳۲) منظور از سه قسم علم در بیان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را سه بخش علوم عقلی و اعتقادی، علوم قلبی و اخلاقی، علوم فقهی و احکامی می‌داند. (خمینی، ۱۳۶۸: ۳۲۵-۳۳۶) از دانشمندان معاصر مرتضی مطهری نیز برصحت این تقسیم‌بندی انگشت تأکید نهاده است و جوه سه‌گانه اسلام یعنی عقاید، اخلاق و احکام را به ترتیب با ابعاد سه‌گانه شناختی، عاطفی و کنشی سازگار و منطبق ساخته است. (مطهری، ۱۳۸۲: ۶۶) البته واژه‌ها و تعبیر دیگری نیز به کار رفته‌اند که در نهایت همین منظور را می‌رسانند. به عنوان نمونه جدول زیر را مشاهده می‌کنیم.

ابعاد سه‌گانه اسلام	ابعاد انسان	ویژگی‌ها	متعلق	معارف مرتبط	حوزه سیاست
عقاید	بینش‌ها	شناختی	ذهن	فلسفه و حکمت و کلام	اندیشه و کلام سیاسی
اخلاق	گرایش‌ها	عاطفی	قلب	اخلاق و عرفان عملی	اخلاق و عرفان سیاسی
احکام	کشش‌ها	رفتاری	اعضا و جوارح	فقه و اصول	فقه سیاسی و رفتار سیاسی

جدول ۱- برگرفته از مقاله ساختار فهم اندیشه سیاسی در اسلام (برزگر، ۱۳۸۹)

این چارچوب نظری علاوه بر این که دارای مویادات فراوان دینی و بومی است، قابلیت تبیین روزآمد و کاربردی از موضوع را نیز دارد. به عنوان نمونه ادوارد فرن مولفه‌های سبک زندگی را در سه دسته فعالیت‌ها، علاقه‌مندی‌ها و باورها دسته‌بندی کرده است (مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۲۱۵). با کمی تسامح می‌توان باورها را معادل اعتقادات، گرایش‌ها و علاقه‌مندی‌ها را معادل اخلاق و رفتارها را موضوع احکام در نظر گرفت.

آیت ... خامنه‌ایمدظله‌العالی نیز در رابطه با سبک زندگی اسلامی در سخنرانی خود در مشهد مقدس فرمودند: «بن‌مایه‌های این فرهنگ عبارت است از خردورزی، اخلاق، حقوق؛ اینها را اسلام در اختیار ما قرار داده است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱) که تعبیر دیگری از همین ساختار نظری است. لذا در این نوشتار روش بحث، توصیفی-تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای بوده و چارچوب بحث عبارت است از تقسیم مطالب راجع به مهریه در سه بخش مذکور.

۱- اعتقادات

یکی از مهمترین مؤلفه‌های اعتقادی مسلمانان این است که همه چیز دنیا نیست. در مقابلش آخرت است. در مورد مادیات مقابلش معنویات می باشد. در بحث مهریه هم این طور است که از نظر اسلام مهریه نه فقط جنبه مادی داشته باشد و نه فقط جنبه معنوی، بلکه شامل هر دو می باشد. پس می توان گزاره های اعتقادی مربوط به مهریه را در دو بخش مادی-دنیوی و معنوی- اخروی توضیح داد.

۱-۱- جنبه مادی-دنیوی مهریه: اسلام به عنوان یک دین جامع بر خلاف بعضی از ادیان تحریف شده و عرفان های کاذب به مسائل مادی و جسمی هم اهمیت می دهد. در سیره ائمه که نگاه می کنیم، همین واقعیت نیز دیده می شود. مثلاً مهریه حضرت زهرا (سلام الله علیها) دارای ارزش مالی بوده است. این مهریه از زهری است که امام علی علیه السلام فروخته و پولش را به پیامبر (ص) داده و از آن پول جهیزیه برای حضرت زهرا خریداری شده است. (مجلسی، بی تا: ۲۰۹)

روایاتی که در مورد مادی بودن مهریه حضرت زهرا (سلام الله علیها) می باشد، به شرح ذیل می باشد: مهریه حضرت زهرا (سلام الله علیها) چهار صد درهم یا اندکی بیش تر یا کم تر بود که با این پول، ظرف مخصوص آب، کاسه چوبی برای شیر، آفتابه برای وضو و دستشویی، حصیری برای فرش خاندو عدد کوزه سفالین، یک طشت مسی برای لباسشویی، یک سبوی گلی سبز مشکی از پوست چرمی برای آبکشی، پیراهن زنانه به بهای ۷ درهم روسری بلند به ارزش ۴ درهم، یک تخت عربی که از چوب ولیف خرما می ساختند، دو عدد تشک که یکی پشمی و دیگری از لیف خرما می ساختند، قطیفه مشکی خیرب چهار عدد بالش که از پشم و لیف خرما پر شده بود، پرده خانگی، آسیاب دستی، مشکی از پوست. (علامه مجلسی، ۱۴۰۴، ۴۳: ۱۱۴) (رسولی محلاتی، ۱۳۷۶:

۵۴-۵۳) همچنین از امام باقر علیه السلام نقل شده است: مهریه زهرا (سلام الله علیها) چهار نهر فرات و نیل و نهروان و نهر بلخ است، ولی در روی زمین پانصد درهم قرار داده شد، تا برای دیگران اسوه و ملاک باشد. البته مقصود از مهریه در اینجا معنای خاصی است، نه اینکه حضرت زهرا مالک آنها بوده و هیچ کس حق استفاده از این رودها را نداشته باشد. همچنین امام صادق علیه السلام فرمودند: صدق فاطمه (سلام الله علیها) زره حطمیه و پوست دباغی نشده گوسفند و یا بزغاله بود. (علامه مجلسی، ۱۴۰۴، ۴۳: ۱۱۳) و نیز پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: یا علی من فاطمه را به تو تزویج کردم به امر حق تعالی صدق خمس زمینو ۴۸۰ درهم (علامه مجلسی: ۲۲۸)

امامان معصوم علیهم السلام نیز همین سیره را پیاده می کردند. به عبارت دیگر هر یک مهر همسرانشان مانند مهریه مادرشان می باشد. به عنوان نمونه مهریه همسر امام حسن علیه السلام مهریه همسر امام محمد تقی علیه السلام که در زیر به آن اشاره شده است. «هنگامی که حضرت امام حسن علیه السلام، جعده بنت اشعث را تزویج نمود، پانصد درهم موافق سنت مهر او کرد و هزار دینار برای او به بخشش فرستاد. (علامه مجلسی، ۱۴۰۴: ۴۱۰)» و نیز «امام محمد تقی علیه السلام مهریه دختر مأمون را مانند مهر جده فاطمه زهرا (سلام الله علیها) حدود پانصد درهم قرار داد. و امام قبولی خود را با این ازدواج اعلام فرمود. (صلواتی، ۱۳۶۴: ۴۴۳)» اهل بیت اگر هم می خواستند بخشش بیشتری داشته باشند، آن را جدای از مهریه اعطا می فرمودند تا هم موجب رواج مهریه های سنگین نشوند و هم از سیره و سنت پیامبر خارج نگردند.

روایت زیر نیز به مادی بودن مهریه اشاره می کند. روزی یکی از یاران امام محمد باقر علیه السلام بر او وارد می شوند و او را در منزلی آراسته شده می بینند. مدتی بعد او را در خانه ای محقر و ساده دیدند. علت این تفاوت را جویا شد. امام در جواب آراستگی خانه اول را ناشی از پرداخت مهر به همسر و خرج کردن آن را در این راه به اختیار خودشان می داند. در ادامه امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: «عده ای بر حسین بن علی وارد شدند و در خانه او قالیچه و بالش و فرشهای دیگر دیدند. عرض کردند ای فرزند رسول خدا در منزل شما چیزهای می بینیم که در منزل رسول خدا نبود. ما با زنان خود ازدواج می کنیم و مهریه آنان را می پردازیم. آنان هر چه می خواهند با مهر خود می خرند. ما در آن نصیبی نداریم.» (مؤیدی، ۷۰۵)

مطابق آموزه های قرآنی ما (حجرات: ۱) انسانها نباید از پیامبران و امامان علیهم السلام جلوتر حرکت کنیم. می دانیم مهرالسنة که میزان مستحب در مهریه است، همان مهریه دختران و همسران پیامبر است. «ما زوج رسول الله صلی الله علیه و آله شیئا من بناته ولا تزوج شیئا من نسائه علی أكثر من اثنتی عشرة أوقیه و نش - یعنی نصف أوقیه ذهباً؛ رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مهریه دختران و همسرانش را بیش از ۱۲/۵ اوقیه نقره

قرار نداد. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵: ۳۷۶) وقتی می بینیم که پیامبر صلی الله علیه و آله مهریه دخترشان را از لحاظ مالی و اقتصادی مقدار قابل قبولی قرار می دهند، حذف کردن مادیات از مهریه کار درستی نیست. در این باره روایتی است از حضرت علی (علیه السلام) که فرمودند: «من خوش ندارم که مهر را کمتر از ده درهم کنند، بلکه بیشتر از آن قرار دهند تا به مهر زنان نابکار (مبلغی که در عوض زنا به زانیه می دهند) شباهت پیدا نکند. (علل الشرائع، ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۲، ۵۹۹)»

۱-۲- جنبه معنوی- اخروی مهریه: مهریه از نظر اسلام فقط شامل جنبه مادی نمی باشد بلکه حکمت های دیگری نیز در تعیین مهر نهفته است. با توجه به اینکه مطالب گفته شده در بالا همگی جنبه مادی بودن مهریه را در برداشته اند. اینک مهریه را از لحاظ معنوی بودن مورد بررسی قرار می دهیم. روایاتی که معنوی بودن مهریه را در بر دارد به شرح زیر می باشد:

دخت ارجمند پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که شنید پدر گرانمایه اش پس از رضایت او، وی را به ازدواج علی علیه السلام درآورده و صداق او را بسیار اندک قرار داد، به آن حضرت گفت: «ای پیامبر خدا! دختران مردم عادی نیز همینگونه ازدواج می کنند و مهریه ی آنان از همین درهم ها و دینارهای دنیوی است، پس فرق ما و آنان چیست؟ من از شما تقاضا می کنم که این مهریه دنیوی و مادی را به شوی گرانقدرم علی علیه السلام بازگردانی و خود از خدا بخواهی که مهریه ی مرا شفاعت گناهکاران امت قرار دهد. درست پس از این خواسته ی فاطمه علیها السلام بود که فرشته ی وحی فرود آمد و کاغذی از حریر با خود آورد که در آن اینگونه نوشته شده بود: خداوند مهریه ی فاطمه را شفاعت گناهکاران امت پدرش قرار داد. و به همین دلیل هم بانوی بانوان آن سند آسمانی را نگاه داشت تا به هنگامه ی مرگ در درون کفن او قرار دهند و فرمود: هنگامی که در روز رستاخیز برانگیخته شدم، این سند آسمانی را بدست می گیرم و طبق آن از گناهکاران امت پدرم پیامبر، به اذن خدا و خواست او، شفاعت می نمایم.» (محلّاتی، ۱۳۷۶: ۴۹)

این روایت، نمایشگر عظمت و شکوه بانوی بانوان و همت والای اوست، چرا که او از پدرش می خواهد که این موقعیت رفیع و این مقام پرفراز را برای او بخواهد و دعای پیامبر نیز مورد پذیرش قرار می گیرد و در برابر خواسته ی پیامبر آن سند آسمانی فرود می آید که به خواست خدا در روز رستاخیز حقیقت آن برای همه روشن می شود. (رسولی محلّاتی، ۱۳۷۶: ۴۹)

همچنین مهریه حضرت زینب که گویای معنوی بودن صداقش می باشد، به این شرح می باشد. «از آنجا که حضرت زینب از همان کوچکی به واسطه اتصال روحانی بقدری به حسین علیه السلام علاقمند بوده که یکشب هم بدون برادر آرام نداشت حتی در موقع ازدواجشکه پسر عمویش جناب عبدالله جعفر طیار برای ازدواجش

آمد، امیر المومنین هم قبول فرمود که او را به عقد عبدالله در آورد به همان مهر مادرشبا دو شرط. شرط اول این بود که فرمود این دختر من با حسین علیه السلام خیلی علاقمند است به این شرط او را به عقد تو در می آورم که اذنش بدهی شبانه روزی یکمرتبه به دیدن حسین برود، چون نمی تواند یک روز بگذرد و حسین را نبیند. شرط دوم اینکه هر گاه حسین علیه السلام بخواهد مسافرتی کند و زینب را با خود ببرد، مانع او نگردید و اذندهی. (آیت اله دستغیب شیرازی: ۱۵)

در رابطه با این بحث باید گفت؛ در مهریه شیء خاصی هم منظور نیست و حتی تعلیم دانش و یا فنی خاص می تواند در ازدواج به عنوان مهر واقع شود. روایت زیر نشان دهنده این موضوع می باشد. محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام نقل می کند: «زنی به حضور پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: مرا به همسری کسی درآور. حضرت به حاضران فرمود: چه کسی مایل است با این زن ازدواج کند؟ مردی برخاست و گفت: ای رسول خدا! من حاضریم او را به همسری خود در آورم، او را به من تزویج کن. فرمود: چه چیزی به عنوان پیش کش به او می دهی؟ عرض کرد: چیزی ندارم به او بدهم. حضرت جواب منفی دادند. آن زن دوباره درخواست خود را تکرار کرد. رسول خدا - صلی الله علیه و آله - نیز مجدداً همان سخن را با اصحاب خود در میان گذاشتند. این بار هم غیر از آن مرد، کسی به آن خواسته پاسخ مثبت نداد. آن زن برای مرتبه سوم تقاضای خود را گفت، این دفعه پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله) به آن شخص فرمودند: آیا چیزی از قرآن را خوب می دانی؟ عرض کرد: آری. حضرت فرمودند: من او را در مقابل تعلیم همان مقدار از قرآن به همسری تو درآوردم. آن را به او آموزش بده. (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۴۲)

۲- اخلاق

گفته شد که اخلاق در حوزه های باید و نباید ها یا به اصطلاح؛ "حکمت عملی" قرار می گیرد. از قدیم الایام، دانشمندان علم اخلاق را در کنار تدبیر منزل و سیاست قرار می داده اند. یعنی به اخلاق جنبه ی فردی صرف می داده اند. اما در این مقاله، اخلاق را هم در حوزه ی فردی و هم در حوزه ی اجتماعی مد نظر قرار می دهیم.

۲-۱- فردی: درآیه شریفه ۴ سوره مبارکه نساء چنین آمده است: «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً». دو واژه "صداق" و "نحله" که در این آیه به جای واژه مهریه استفاده شده است، آموزه های اخلاقی مهمی را به ما نشان می دهد. "صدقاتهن" جمع صداق بمعنی مهر است. به مهریه صداق گفته می شود یعنی هدیه ای از روی صداقت

به محبوب برای اثبات صداقت و محبت و احترام به او داده می شود. این کار به چگونگی خلقت و آفرینش زنان مربوط می شود بدین معنی که زنان چنان آفریده شده اند که مهر پذیر اند مهریه در نظر اسلام نوعی هدیه و پیشکش است که باید مرد به عنوان ابراز محبت و وفاداری به بهترین وجه آن را به زن تقدیم کند (خامنه ای، ۱۳۷۵) "نحلة" در لغت به معنی بدهی و دین آمده، و به معنی بخشش و عطیه نیز هست، "راغب" در کتاب مفردات می گوید: به عقیده همانیکلمها ز ریشه "نحل" (به معنی زنبور عسل) آمده است زیرا بخشش و عطیه شباهتی بکار زنبور انعسل در دادن عسل دارد. حال برخی از ملزومات اخلاقی ناشی از این دو واژه و معانی گفته شده شان را ذکر می کنیم.

اولاً با توجه به کلمه صداق، طرفین باید در این کار صداقت نشان دهند. خصوصاً مرد باید در همان لحظه تعیین مهریه قصد پرداخت آن را داشته باشد. امروزه مردان به راحتی مهریه های سنگین را با این نیت که کی داده و کی گرفته قبول می کنند و اکثراً نمیدانند که اگر موقع ازدواج قصد پرداخت مهریه را نداشته باشند، ازدواجشان حکم زنا پیدا میکند. روایات معتبری در این زمینه داریم که به چند مورد از آنها اشاره کرده ایم تا به اهمیت این مسأله پی ببریم. رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - فرموده اند: «وَيَا سَنَادَ هَيْعَتُ عَيْنِي وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ الْحُسَيْنَ يَدْعِي الصَّادِقَ عَنَّا بِأَنَّهُ عِنْدَ النَّبِيِّ صَفِيحٌ حَدِيثُ الْمَنَاهِيقِ أَلَمْ نَظْلَمْ أَمْرًا مَّهْرَهَا فَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ زَانٍ يَقُولُ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ هَيْوَمَا لِقِيَامِهِ عَبْدٌ يَزْوَجُكَ مَا تَبِعَ عَلَى عَهْدٍ يَفْلَمْتُوْا بِعَهْدٍ يُوْظَلَمُ تَامِيْفِيُوْا حَدُّ مَنْحَسَنَاتٍ تَهْفِيْدُ فَعَالِيَهَا بِقَدْرِ حَقِّهَا فَإِذَا لَمْ تَبْقَلْهُ حَسَنَةً أَمْرٌ بِهَا إِلَى النَّارِ بِنِكَتٍ لِلْعَهْدِ إِنَّا لَعَهْدٌ كَانَتْ مَسْئُلاً مَّهْرِيَةً زَنْ بَايْدَ بِهِ أَوْ مُسْتَرْدَّ غَرَّدَ وَ كَسَى كَهْ مِنْ زِدَاخْتِ أَنْ اَمْتَنَاعَ نَمَائِدَ، به اندازه ی حق زن، در روز قیامت از حسنات او بر می دارند و در پرونده ی همسرش قرار می دهند و چون کار نیکی به اندازه ی ترمیم حقوق زن باقی نماند به گناه پیمان شکنی او را به سوی آتش می برند زیرا هر عهد و پیمانی مسؤولیت دارد. » (حر عاملی، ج ۲۱، ۱۴۰۹: ۲۶۷) و نیز امام صادق علیه السلام فرموده اند: «مردی که زنی را به همسری می گیرد، و قصد پرداخت مهریه او را ندارد، عمل او حکم زنا را دارد.» (حر عاملی، ج ۱۵، ۱۴۰۹: ۲۱) و همچنین فرموده اند: «کسی که در ازدواج خود قصد پرداخت مهریه را ندارد، عروسی اش در حکم زنا است.» (حر عاملی، ج ۱۵، ۱۴۰۹: ۲۲) و نیز امام علی علیه السلام فرموده اند: «هر کس در مورد پرداخت مهریه به زنش ستم کند، که بوسیله آن زوجیت او مباح گردیده، گرفتار زنا شده است.» (مجلسی، ج ۱۰۳، ۱۴۰۴: ۳۵۲)

زن نیز باید در مورد مهریه و مسائل مربوط به آن، جانب اخلاق را رعایت کند. اولین مورد این است که از روی صداقت میزان مهریه را سبک بگیرند. از آنجا که مهریه نوعی بدهی برای مرد محسوب می شود زن نباید بیش از اندازه شوهر خود را بدهکار کند. در خصوص اندازه مهر در قرآن و حدیث، حد مشخص واجبی بیان

نشده است. اما سفارشات فراوانی به جهت قرار ندادن مهریه‌های بسیار پایین و بسیار بالا شده و در مقابل به مهریه‌های کم، مخصوصاً به مهرالسنه زیاد سفارش شده است. قال رسول الله: «ثَلَاثٌ مِنَ النِّسَاءِ يَرْفَعُ اللَّهُ عَنْهُنَّ عَذَابَ الْقَبْرِ وَ يَكُونُ مَحْشَرُهُنَّ مَعَ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ امْرَأَةٌ صَبَّرَتْ عَلَى غَيْرَةِ زَوْجِهَا وَ امْرَأَةٌ صَبَّرَتْ عَلَى سُوءِ خُلُقِ زَوْجِهَا وَ امْرَأَةٌ وَ هَبَتْ صَدَاقَهَا لِزَوْجِهَا يُعْطِيَ اللَّهُ تَعَالَى لِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ ثَوَابَ أَلْفِ شَهِيدٍ وَ يَكْتُوبُ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُنَّ عِبَادَةَ سَنَةِ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله - فرمود: سه طایفه از زنانند که خداوند ایشان را عذاب نکند و با حضرت فاطمه (سلام الله علیها) بنت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) محشورشان فرماید و به هر یک از ایشان ثواب هزار شهید و ثواب عبادت یک سال عنایت فرماید؛ زنی که بر غیرت شوهرش صبر کند، زنی که بر بد اخلاقی شوهر صبر نماید و زنی که مهریه خود را به شوهر ببخشد.» (دیلمی، ج ۱، ۱۴۱۲ : ۱۷۵) نبی مکرم اسلام - صلی الله علیه و آله فرموده اند: «أَبَانِيهِمْ عَقَالًا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَفْضَلُ نِسَاءٍ أُمِّيًّا صَبَحَتْ زَوْجَهَا وَأَقْلَهُنَّ مَهْرًا بَهْتَرِينَ زَنَانِ أُمَّتٍ مَنْ، خُوبَرُوتَرِينَ وَ كَمِ مَهْرِيهِ تَرِينَ أَنَّهُا اسْت.» (شیخ صدوق، ج ۳: ۱۴۱۳: ۳۸۶) و روایت شده است که «أَنَّ مِنْ بَرَكَهِ الْمَرْأَةِ قِلَّةُ مَهْرِهَا وَ مِنْ شُؤْمِهَا كَثَرَةُ مَهْرِهَا؛ از برکت زن کمی مهریه اوست و از بی‌خیری او بسیاری آن. مهریه در اسلام از سقف و کف وجوبی برخوردار نیست. (شیخ صدوق، ج ۳: ۱۴۱۳: ۳۸۷)

در حدیث دیگری رسول گرامی اسلام - صلی الله علیه و آله - فرمودند: «وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا وَ رَسُولًا مَا مِنْ امْرَأَةٍ ثَقُلَتْ عَلَى زَوْجِهَا الْمَهْرَ إِلَّا ثَقُلَ اللَّهُ عَلَيْهَا سِلَاسِلُ مَنْ نَارِ جَهَنَّمَ. سَوَّغَنْدَ بِه خَدَاوَنْدِیْ كِه مَرَا بِه پِیامبری و رسالت بر حق برگزید، هیچ زنی نیست که مهر خود را بر شوهرش سنگین و دشوار کند مگر این که خداوند زنجیرهای سنگینی از آتش جهنم را بر او قرار خواهد داد.» (محدث نوری ج : ۱۴۰۸، ۱۵ : ۶۸)

البته حد اعلاء جود و کرم این است که اگر زمینه مناسبی در برنامه بخشیدن مهر به شوهر مشاهده کنند از این خصلت عالی که نشانه سخاوت و بزرگواری است چشم پوشی نکنند، البته این بخشش بعد از تعیین مهر و ازدواج می باشد و منافاتی با آنچه در مورد کم نبودن مهریه در بالا گفته شد ندارد. در آیه شریفه ۴ سوره مبارکه نساء بعد از تأکید به آقایان برای دادن مهریه چنین آمده است: «فَإِنْ طَبِئَ لَكُمْ مَعْنَىٰ مِنْهُنَّ فَسَافِكُلُوهُنَّ نِیْمَةً مَرِئًا " اگر زنان بارضایت کامل خواستند مقداری از مهر خود را ببخشند، برای شما حلال و گوار است"

تادر محیط زندگی زن ناشویی تنها قانون مقرر است خشک حکومت نکند بلکه به موازات آن عاطفه و محبت نیز حکم فرما باشد. در این مورد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «أَيُّمَا امْرَأَةٍ وَ هَبَتْ صَدَاقَهَا لِزَوْجِهَا فَلَهَا بِكُلِّ مِثْقَالِ ذَهَبٍ كَأَجْرِ عَتَقِ رَقَبَةٍ وَ فرمود: هر زنی که مهریه خود را به شوهرش ببخشد، برای هر درهمی ثواب آزاد کردن بنده‌ای

برایش منظور می‌گردد. «(دیلمی، ۱۷۴: ۱۴۱۲) البته می‌توان هم به ثواب بخشش رسید و هم از مهرالسنه تبعیت نمود. مهریه به عنوان حلالترین مال یاد شده و برکت دارد. لذا می‌توان آن مقدار از مهریه را که معادل مهرالسنه است را دریافت کرد و مابقی را بخشش نمود. شاید این کار هم نزد خداوند کمتر از بخشش تمام مهریه نباشد.

۲-۲- اجتماعی: در وهله اول مهریه یک امر فردی محسوب می‌شود. ولی از آنجا که اسلام دینی جامع و شامل ابعاد اجتماعی نیز هست، پس می‌توان نگاهی اجتماعی به مهریه داشت. یعنی ببینیم چه تاثیر و تأثیری بین مساله ی مهریه و سایر مسائل جامعه وجود دارد. پرداختن به این واقعیت، حجم گسترده ای از تحقیق را می‌طلبد و ما یادآوری چند مورد اکتفا کنیم.

ابتدائاً مهریه یک پشتوانه اجتماعی برای زن به حساب می‌آید. در عصر جاهلیت نظریه‌های زن‌انارشی قائل نبودند، غالباً مهر را که حق مسلم زن بود در اختیار اولیای آنها قرار میدادند، و آنرا کم‌مسلمان‌ها می‌دانستند. گاهی نیز مهر یک زن را از دواج‌زدی نگه‌داشت. به این گونه که مثلاً برادری، خواهر خود را به ازدواج دیگری درمی‌آورد که او هم در مقابل، خواهر خود را به ازدواجی درآورد، و مهر را ایندو زن هم می‌بود. اسلام بر تمام این رسوم مظاهر خطی و خطی‌نکشی، و مهر را به عنوان یک حق مسلم به زن اختصاص داد، و در آیات قرآن و

روایات تکراراً مردان را به رعایت کامل این حق توصیه کرده است. «فِي عِلَالٍ بَيْنَ سِنَانٍ عِنَّا الرِّضَاعُ أَنَّ هَكَذَا كَتَبَ إِلَيْهِ عِلَّةُ الْمَهْرِ وَوَجُوبُهُ عَلَى الرَّجَالِ وَلَا يَجِبُ عَلَى النِّسَاءِ أَنْ يُعْطِينَ أَوْ أَجْهَنَ فَإِنَّ عَلَى الرَّجَالِ مَوْنَةَ الْمَرْأَةِ [الْمَرْأَةُ] بَائِعَةٌ نَفْسَهَا وَالرَّجُلُ مَشْتَرٍ وَلَا يَكُونُ الْبَيْعُ بِلَا ثَمَنِ وَلَا بِنِ سَنَانٍ بَرَاءِ حَضْرَتِ رِضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ نَوَاشْت: سَرِ اَيْنَكِه مَرْد بَايْد مَهْر بَه زَن رَا بِيَرْدَا زِد چيست؟ چَرَا زَن نِيَرْدَا زِد؟ فَرَمُود: بَرَا اَيْنَكِه زَن بَمَنَاسَبَتِ اشْتِغَالِ بَه خانِه داري و تَرْبِيَتِ فَرَزَنَدِ قَهْرًا از كَسْبِ و تِجَارَتِ مَحْرُومِ اسْتِ و رَا هِ دَرآمَدِي نَدَارِد. اَلْبَتَه عِلَلِ بَسِيَّارِي دِيگَرِي هَم دَارِد.» (علامه مجلسی، ج ۱۰۰، ۱۴۰۴: ۳۴۹)

بحث دیگر در این رابطه الگوسازی اجتماعی است. هر مهریه معقول می‌تواند الگویی مناسب برای سایر مهریه‌های دیگر باشد و برعکس، رواج الگوهای رقابتی و نادرست از مهریه معضلات روانی، فرهنگی، اقتصادی و حتی سیاسی به بار می‌آورد و افرادی که با کوتاه بینی تعیین مهریه شان را امری خصوصی می‌دانند، به عواقب وسیع آن در سطح جامعه نمی‌اندیشند. در زیر به چند مورد از این عواقب اشاره شده است.

مطلب اول اینکه بسیاری از روابط اجتماعی و خطوط نظام اقتصادی و مسائل سیاسی بر محور عهدها و پیمانها دور می‌زند که اگر تزلزلی در آنها پیدا شود و سرمایه اعتماد از بین برود، به زودی نظام اجتماع فرو می‌ریزد و هرج و مرج و حشمتناکی بر آن حاکم می‌شود، به همین دلیل در آیات قرآن تأکید فراوان روی مساله

وفای به عهد شده است. (وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا). "به عهد خود وفا کنید، چرا که از وفای به عهد سؤال کرده می‌شود." عهد و پیمان معنی وسیعی دارد که هم شامل عهدهای خصوصی در میان افراد در رابطه با مسائل اقتصادی و کسب و کار و زناشویی و امثال آن می‌گردد، و هم شامل عهد و پیمانهایی که در میان ملتها و حکومتها برقرار می‌گردد، و از آن بالاتر شامل پیمانهای الهی و رهبران آسمانی نسبت به امتها و امتها نسبت به آنها نیز می‌شود. (تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص: ۱۱۱) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «لا دین لمن لا عهد له» آن کس که پایبند تعهدات خود نیست، از دین بهره‌ای ندارد.

از طرفی دیگری از مصادیق مهم وفای به عهد پرداخت مهریه می باشد و عدم پرداخت آن در سطح جامعه معظلات فرهنگی و اجتماعی به بار می آورد. در این مورد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «منظلم امرأه مهرها فهو عند الله زانی قالوا لله عز وجل ما لقيتموه عبد يزوجتكم أم تبيع عهد يوظلمت أم تمي مردی که صدق و مهریه همسرش را از روی ظلم و ستم نپردازد، نزد خداوند زناکار به حساب می آید. و در روز قیامت از سوی خداوند متعال به وی خطاب می شود که بنده ام را به عقد همسری تو درآوردم و از تو تعهد گرفتم لیکن تو به عهد و پیمان وفا نکردی و به او ستم روا داشتی. آن گاه از حسنه های آن مرد گرفته می شود و به حساب زن او منظور می گردد. آن قدر که دیگر حسنه ای در نامه اعمالش باقی نمی ماند. پس خداوند فرمان می دهد او را به سوی آتش ببرند. زیرا که او عهد شکنی کرده و بی وفایی نموده است. (شیخ صدوق، ۱۳۶۲: ۴۲۸) حضرت امام رضا (علیه السلام) فرموده اند: «ان الله تعالى غافراً كل ذنب إلا من جحد مهر او اغتصب أجيراً أجره او باع رجلاً حراً: حضرت رضا (علیه السلام) از پدران بزرگوارش از رسول خدا - صلی الله علیه و آله - روایت کرده اند: خداوند متعال هر گناهی را مورد مغفرت و آمرزش قرار می دهد مگر گناه انکار مهر زن یا عقب انداختن دستمزد یا فروش انسان آزاد. «البته از جانب ائمه هدی خطاب به زنان با کرامت توصیه شده است.» (حر عاملی، ج ۲۱، ۱۴۰۹: ۲۶۶)

مشکل دیگر از دست رفتن انس و محبت بین زن و مرد می باشد. این در حالی است که خداوند در آیات قرآن به مودت و رحمت میان زن و شوهر اشاره کرده است. آنجا که در آیه ۲۱ سوره روم می فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» و از نشانه های او این که همسرانی از جنس خود تا نبرای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میان آنان مودت و رحمت قرار داد در این نشانه هایی است برای گروهی که تفکر می کنند! (مکارم: ۴۰۶)

اما زمانی که مهریه با جدال در مراسم خواستگاری و بر خلاف میل باطنی یک یا دو طرف تعیین شود، نوعی دلخوری و کینه پدید می آید و پس از ازدواج نیز اگر به جای عشق و محبت، ترس از مهریه زیاد عامل ادامه زندگی زناشویی باشد، این ترس و کینه تشدید می شود و در نهایت اگر زن مهریه خود را به اجرا گذارد و مرد توانایی مالی نداشته باشد، کار به فلاکت و زندان می کشد و چه بسا جرم و جنایت هایی که در اثر این دشمنی ها ممکن است به وقوع بپیوندد. از امیر مومنان علیه السلام روایت شده است که فرمودند: «لا تغالوا فی مهر النسا فتکون عداوه در مهر زنان زیاده روی نکنید که موجب دشمنی است.» (طبرسی، ۱۴۱۲: ۲۳۷)

علاوه بر مطالب بالا، سنگین بودن مهر که تأمین آن جز برای سرمایه داران ممکن نیست، سبب تأخیر ازدواج جوانان و حتی ترک آن می شود. و گاه فساد اخلاق و جرایم ناموسی را به دنبال دارد و اگر مردم به مهر کم رضایت دهند، باعث تشویق دیگر جوانان می شود که ازدواج خودشان را به تأخیر نیندازند. و این دقیقاً برخلاف آموزه های قرآنی ما است. که تسهیل شرایط ازدواج برای جوانان وظیفه ی هر مسلمانی است.

۳- احکام

احکام یا تشریعات به حوزه ی رفتارهای انسان مربوط می شود و در علم فقه مورد بحث قرار گرفته و تولید می شود. به طور کلی موضوعات احکام را به پنج دسته واجب، مستحب، مباح، مکروه و حرام تقسیم می کنند. اصل تعیین مهریه در زمره ی واجبات امر نکاح است. در تفسیر آیه ۴ سوره نساء آیت الله مکارم شیرازی چنین می

نویسد: «آیه فوقیه در باب بحثی که در آیه گذشت در باره انتخاب مهر بود، اشاره به یکی از حقوق مسلم زنان می کند و تأکید می نماید که: "مهر زنان را بطور کامل همانند یک بدهی بپردازید"

یعنی همانطور که در پرداخت سایر بدهی ها مراقب هستید که از آن چیزی کم نشود، در مورد پرداخت مهر نیز باید همان حال را داشته باشید. د (این در صورتی است که "نحلة" را به معنی بدهی بگیریم) و اگر به معنی عطیه و بخشش باشد تفسیر آیه چنین خواهد شد: "مهر را که یک عطیه الهی است و خدا بخاطر این که از حقوق بیشتری در اجتماع داشته باشد و ضعف نسبی جسمی او از این راه جبران گردد دبطور کامل ادا کنید." (آیت الله مکارم شیرازی، ج ۳، ص: ۲۶۳)

و در تفسیر آیه ۲۳۶ سوره بقره مفسر دیگری چنین می گوید: «لَا جُنَاحَ عَلَیْکُمْ أَنْ تَطْلُقُوا نِسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ وَأَنْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فِیضَةً وَتَعُوْهُنَّ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدَرُ هُمَا عَابًا مَعْرُوفًا حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِینَ تَعِیْنُ بِرِیْضَةٍ» (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۳۷۵) اهمیت

این مسأله تا جایی است که در صیغه عقد مسأله مهریه گنجانده شده است و عدم ذکر آن به مثابه بطلان عقد است. (خمینی، ۳۷۵: رساله توضیح المسائل) و مطابق با ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران پرداخت مهریه به زنه مجرد اجرای عقد، عندالمطالبه می باشد. (کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۶۶۰)

نکته مهم دیگر این است که در بعضی از احکام دین مانند نماز، نیت شرط و لازم می باشد ولی در بعضی دیگر نیت شرط صحیح بودن عمل نیست. در اینجا نیز اگر مرد مهر زن را در عقد معین کند ولی قصدش این باشد که آنرا ندهد، هر چند از لحاظ اخلاقی ناپسند است و چنان که در بالا ذکر آن رفت در حکم زنا محسوب می شود اما از لحاظ فقهی عقد صحیح است و مهر را باید بدهد. (خمینی، بی تا: ۳۸۶)

از طرفی احکام اسلامی دارای انعطاف لازم می باشد. واجب بودن تعیین مهر در زمان عقد تعارضی بابخشیدن داوطلبانه آن از سوی زن که نشانگر بزرگواری زن و اطمینان او به شوهر است ندارد. خداوند در قرآن می فرماید: «فَانْطَبِنَا لَكُمْ مَعْنَى مِنْهُنَّ فَكُلُوهُ» این خطاب متوجه شوهران و منظور این است که اگر زن نا باطیب خاطر چیزی از مهر بیهرا بشما ببخشند، از آن بخورید و استفاده کنید. (شریفی، ج ۵، ۱۳۶۰: ۲۱)

بخشیدن مهریه می تواند مشروط به شروطی در ضمن عقد باشد که در زیر نمونه ای از آن را می بینیم. «مسأله

اگر زن مهر خود را به شوهر صلح کند که زن دیگر نگیرد، احتیاطاً واجباً است که زن مهر را نگیرد و شوهر هم باز زن دیگر از دو اجنکند (خمینی، بی تا: ۳۸۷) بخشش مهریه از سوی زن به معنای سوء استفاده مرد از این مسأله نمی باشد. در دو آیه به این مطلب اشاره شده است. در تفسیر آیه ۱۹ سوره نساء اینگونه نوشته شده است: «اسلام، مدافع حقوق زن است. «لَا تَجْلِسْ لَكُمْ أَنْتُمْ وَالنِّسَاءُ كَرَاهًا» باز پس گرفتن مهر بیها زور، حرام است.

(قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۲۶۰) و در ذیل آیه ۲۱ سوره نساء همان نویسنده چنین می نگارد: «وَكَيْفَ تَأْخُذُوهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْتُم مِّمَّنْ آفَا غُلِيظًا وَچگونه آنها را باز پس می گیرید، در حالی که شما بایک دیگر تماس و آمیزش کامل داشته اید؟ و (از این گذشته)، آنها (هنگام ازدواج،

از شما پیمان محمی گرفته اند!) (مکارم، ۱۳۷۳: ۸۱) «مهر یه حق است برای زن که در برابر هم خوابی تعیین شده است. «قَدْ أَفْضَى» عقد از دواج، یک میثاق محکم است. «مِثَاقًا غُلِيظًا» پس گرفتن مهر بیهما نشکنی است. «وَكَيْفَ تَأْخُذُوهُ»، «وَأَخَذْتُم مِّمَّنْ آفَا غُلِيظًا» (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۲۶۲)

علاوه بر وجوب مهر میزان و نوع آن مد نظر است که میزان مشخصی ندارد ولی در احادیث به کم بودن آن توصیه شده است. البته مهریه باید دارای ارزش مالی باشد و این منافاتی با کم بودن آن ندارد. (کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۶۵۹) در این رابطه امام خمینی (ره) می نویسد: «مسأله ۱): کَلَّمَا يَمْلِكُهَا الْمُسْلِمُ يَصْجَحُّ جَعْلُهَا مَهْرًا؛ عَيْنًا كَانَا وَ دِينَارًا وَ مِنْفَعَةً لِعَيْنٍ مَمْلُوكَةٍ؛ مَن دَارَ أَوْ عَقَارًا وَ حَيَوَانَ.

وَيَصْجَحُّ جَعْلُهَا مِنْ مَنفَعَةِ الْحَرِّ كَتَعْلِيمِ مَصْنَعَةٍ وَ نَحْوِهَا مِنْ كُلِّ عَمَلٍ مُحَلَّلٍ، بِإِلَظَاهَرِ صَحَّةِ جَعْلِهَا حَقًّا مَالِيًّا قَابِلًا لِلنَّقْلِ وَ الْإِنْتِقَالِ كَحَقِّ التَّحْجِيرِ وَ نَحْوِهِ.

نعمیست تحفیف بجانب اکثره أن لا یزید علی مهر السنه، و هو خمس مائه درهم، هر چیزی را که مسلمان آن را مالک شود می تواند به عنوان مهر قرار دهد و فرقی نمی کند که عین خارجی باشد یا در ذمه یا منفعت خانه و زمین زراعتی و حیوانی باشد و صحیح است که مهر را کار و خدمت خاصی، مانند تعلیم دانش و یا هر فن و کار حلالی، تعیین کرد. بلکه ظاهر این است که هر حق مالی که مانند حق تحجیر قابل نقل و انتقال باشد، می توان مهر همسر کرد. و این اندازه معینی ندارد، بلکه آنچه زوجین بر آن رضایت دهند چه کم و چه زیاد، صحیح است. البته باید آن مقدار کم نباشد که از مالیت خارج شود. گرچه مستحب است که از مهرالسنه نگذرد. (خمینی، ۱۳۷۹: ۷۴۱)

میزان و نوع مهریه را طرفین مشخص میکنند و کس دیگری حق ندارد آنها را مجبور کند. (کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۶۶۰) هر چند توصیه هایی در این رابطه از دین و بزرگان دینی وارد شده است. این مهری که طرفین به آن رضایت می دهند را مهر المسمی می گویند. در قرآن در آیه ۲۴ سوره نساء صراحتاً به لزوم رضایت طرفین اشاره شده است. «... فَاتُّوهُنَّ جُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَا ضِيْتُمْ بِهِمْ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا؛ وَاجِبًا سَتَمَهْرَ أَنْهَارٍ بِرِذَائِهِ.

(بعداً می توانید با توافق، آنرا کم یا زیاد کنید). خداوند، دانا و حکیم است. (مکارم، ۱۳۷۳: ۸۲) و نیز در حدیث معتبری از امام باقر علیه السلام آمده است: «عَلَيْتُنَا بِرَأْهِمَ عَنَّا بِيَهِّ عَيْنًا بِبَيْعٍ عَمِيرٍ عَنَّمَا نَبْنِي أَذِنَّةً عَن فُضَيْلٍ نَبْنِي سَارِ عَنَّا بِجَعْفَرٍ عَقَالًا صَدَقًا مَّا تَرَا ضِيًّا عَلَيْنَا قَلِيلًا وَ كَثِيرًا فَهَذَا الصَّدَاقُ ((الصدّاق ما تراضيا عليه من قليل او كثير فهذا الصّدق)). مهریه آن چیزی است که بر آن توافق شود، کم باشد یا زیاد.» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵: ۳۷۸)

توصیه شده است که مقدار مهریه بر اساس عرف عقلایی باشد. در شرح کلمه "معروف" در عبارت «أَتَوْهُنَّ جُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» گفته شده است میزان مهریه باید بر اساس عرف و شئون زن نباشد. (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۲۷۱) اما در صورتی که زن و شوهری ضمن عقد در میزان و نوع مهر به توافق نرسند و یا مهری معین کنند که فاقد

اوصاف شرعی و قانونی باشد، در صورت انحلال نکاح، قانون مدنی زن را مستحق مهرالمثل می داند. برای تعیین مهر المثل باید وضعیت زن از حیث شرافت خانوادگی و سایر صفات از جمله وضعیت فردی و تحصیلات وی نسبت به کسانی که از نظر اجتماعی هم شان او هستند در نظر گرفته شود. (کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۶۶۵-۶۶۸)

جمع بندی و نتیجه گیری

مهریه در بخش اعتقادات شامل دو جنبه مادی و معنوی می باشد. دین جامع اسلام بر خلاف بعضی از ادیان تحریف شده و عرفان های کاذب به مسائل مادی و جسمی هم اهمیت می دهد و مهر هم علاوه بر ارزش معنوی که می تواند داشته باشد، ارزش مالی و اقتصادی نیز دارد. بنابراین حذف کردن مادیات از مهریه کار درستی نیست. از طرفی مادیات تمام مسأله نیست. دیدیم که مهریه همسر امانت همانند مهر مادرشان از مهر السنه تجاوز نکرد و در مقابل شاهد مسائل معنوی از قبیل شفاعت گنهکاران، تبعیت از ولایت و تعلیم قرآن در سنت معصومین علیهم السلام هستیم. سخت گیری های بی مورد در مورد ارزش مادی مهریه باعث عاملی برای فرار جوانان از ازدواج و روی آوردن به روابط غیرمشروع که در آن همان حداقل هایی که دین برای زنان در نظر گرفته است نیز رعایت نمی شود. متأسفانه دیده می شود برخی از والدین نسبت به ازدواج و میزان مهریه دخترانشان باورهای غیرمنطقی جزمی دارند، اما از این که فرزندانشان رایگان دستمایه هوس دیگران شوند، حساسیتی نشان نمی دهند. این همان درافتادن از افراط به تفریط و مصداق ضرب المثل از چاله در آمدن و به چاه افتادن است.

در بخش اخلاق، بحث را در دو حوزه ی فردی و اجتماعی پی گرفتیم. مهریه باید از روی صداقت، محبت و احترام طرفین و نه رقابت، ریا و اجبار تعیین شود. عدم قصد پرداخت مهریه از سوی شوهر در روایات به منزله ی زنا می باشد. البته زن هم نباید چنان سخت بگیرد که مرد را به موضع غیر اخلاقی بکشانند. و اگر شرایط را مهیاء دید چه بهتر که مهر خود را ببخشد. در برابر، مهر یکی از حقوق مسلم و پشتوانه اجتماعی برای زنان، در جامعه اسلامی به شمار می آید. مهر که ابتدائاً یک امر شخصی و خانوادگی تلقی می شود. می تواند آثار و پیامد های مهمی از قبیل دوستی و آرامش اجتماعی، مسئولیت پذیری و وفای به عقود، کم شدن بزهکاری و جرائم مالی و امنیتی، تشویق به ازدواج و تشکیل خانواده داشته باشد. وقتی اخلاق در میان نباشد، حقوق نیز نمی تواند موثر باشد. شاید بتوان گفت که همین مهریه های نامعقول باعث شده است که بسیاری از زنان دریافت آن کاملاً محروم بمانند.

در بخش احکام به وجوب تعیین مهریه و ذکر آن در صیغه ی عقد اشاره شده است و دیدیم که نیت و صداقت هر چند از لحاظ اخلاقی مورد تأکید واقع شده، ولی از منظر فقهی شرط لازم نمی باشد. در صورت درخواست زن پرداخت مهریه بلافاصله بعد از عقد وظیفه ی قانونی مرد بوده و تعدی از آن مجازات دارد. ملاک حقوقی در میزان مهریه، رضایت طرفین می باشد و اگر این مقدار مشخص نباشد و یا در شرایط خاص دیگر، ملاک عرف عقلائی و مهر المثل می باشد. آسیب مهمی که در این رابطه دامنگیر جامعه ما شده است این است که بسیاری از جوانان و حتی والدین آنها به راحتی زیر بار مهریه های سنگین رفته و به عواقب حقوقی آن اعتنا نمی کنند، در حالی که تعداد افرادی که به همین خاطر زندگی خود را باخته اند و در کنج زندان ها به سر می برند، کم نیست. در پایان می توان نتیجه گرفت؛ تنها راه پرهیز از مشکلاتی که دامنگیر جامعه ما شده است، برگشتن به صراط مستقیم قرآن و اهل بیت علیهم السلام است.

منابع

برزگر، ابراهیم، ۱۳۸۹، «ساختار فهم اندیشه سیاسی»، تهران: فصلنامه دانش سیاسی، شماره ۱۲، صص ۷۲-۴۳

حر عاملی، شیخ محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، وسائل الشیعه، قم، موسسه آل البيت الإحیا التراث.

خامنه ای، سیدعلی، ۱۳۹۱، بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، farsi.khamenei.ir/speech-content

خمینی قدس سره، روح الله، ۱۳۳۸، چهل حدیث، تهران، نشر فرهنگی رجا.

خمینی قدس سره، روح الله، بی تا، بی جا، رساله توضیح المسائل.

خمینی‌قدسره، روح الله، ۱۳۷۹، تحریر الوسیله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام‌الخمینی‌قدسره، چاپ اول.

دستغیب شیرازی، عبد الحسین، ۱۳۶۰، زندگانی فاطمه زهرا و زینب کبری (س)، تهران، انتشارات علمیه اسلامی.

دیلمی، حسن بن ابی الحسن، ۱۴۱۲ق، ارشاد القلوب، بی‌جا، شریف رضی.

رحمانی همدانی، احمد، ۱۳۸۳، فاطمه زهرا (س) سرور دل پیامبر (ص)، ترجمه مهدی جعفری، تهران، منیر.

رسولی محلاتی، سید هاشم، ۱۳۷۵، زندگانی حضرت فاطمه (س) و دختران آن حضرت، تهران، انتشارات فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم.

شریفی، محمود و دیگران، ۱۳۸۱، فرهنگ جامع سخنان امام حسین (ع) ترجمه کتاب موسوعه کلمات الامام حسین (ع)، ترجمه علی مویدی، قم، معروف مشرقین، چاپ سوم.

شیخ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، ۱۳۶۲، امالی، قم، انتشارات کتابخانه اسلامی، چاپ چهارم.

شیخ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، ۱۴۰۳ق، الخصال، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.

شیخ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، ۱۴۱۳ق، من لا یحضره الفقیه، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه قم، نوبت سوم.

شیخ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، بی‌تا، قم، علل الشرایع، مکتبه الدآوری.

شیخ طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، ۱۳۶۵، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.

صلواتی، فضل اله، ۱۳۶۴، تحلیل از زندگانی و دوران امام محمد تقی (ع)، اصفهان، خرد.

طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، ۱۳۶۵، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، فراهانی.

طبرسی، رضی الدین، حسن بن فضل، ۱۴۱۲ق، مکارم الاخلاق، قم، انتشارات شریف رضی، چاپ چهارم.

قرائتی، محسن، ۱۳۸۳، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌های از قرآن، چاپ یازدهم.

کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۹، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، تهران، نشر میزان، چاپ بیست و پنجم.

کلینی رازی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵، کافی، تهران، دارالکتب اسلامی، چاپ چهارم.

مجلسی، محمد باقر، ۱۳۸۲، جلاء العیون، تاریخ چهارده معصوم، تحقیق سید علی امامیان، قم، سرور.

مجلسی، مولی محمد باقر بن محمد تقی، ۱۴۰۴ق، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفا.

مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۷۹، حقوق و سیاست در قرآن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

مطهری، مرتضی، ۱۳۸۲، انسان و ایمان، تهران، صدرا.

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۳، ترجمه قرآن (مکارم)، قم، دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، چاپ دوم.

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه تهران، دارالکتب الاسلامیه.

موسوی همدانی، سید محمد باقر، ۱۳۷۴، ترجمه تفسیر المیزان، قم، جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم.

مهدوی کنی، محمد سعید، ۱۳۸۷، «مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی»، تهران، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره ۱، صص ۱۹۹-۲۳۰.

مهدوی کنی، محمد سعید، ۱۳۹۰، دین و سبک زندگی (مطالعه موردی شرکت کنندگان در جلسات مذهبی)، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق، چاپ سوم.

نوروزی، میرزا حسین (مشهور به محدث نوری)، ۱۴۰۸، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت الاحیا التراث قم.